

|| روح الله مظفری پور ||

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

ارتباط بین انسانی بر اساس مفهوم ارتباط

ارتباط بین انسانی بر اساس مفهوم ارتباط از دیدگاه
«کارل یاسپرس» و اهمیت آن در مدیریت آموزشی

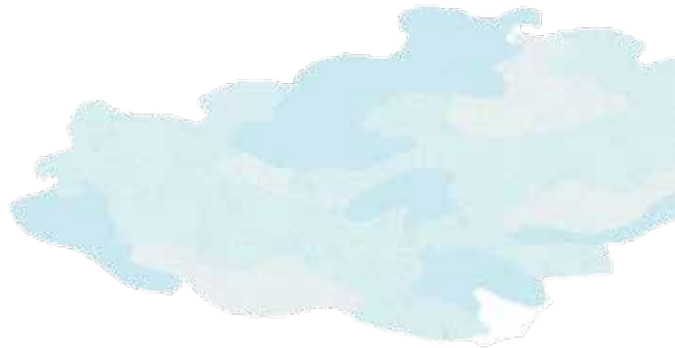
اشاره

کارل یاسپرس از فیلسوفان و اندیشمندان فلسفه هستی (اکزیستانسیالیسم) است که با توجه به ماهیت این فلسفه، که به هستی و ژرفای وجود آدمی می‌پردازد، هستی انسان را از جنبه‌های گوناگون مورد تفکر و تأمل فلسفی قرار می‌دهد. برای فیلسوفان هستی تنها چیزهایی به‌راستی پرسیدنی هستند که با ژرفا و معنای زندگانی و سرنوشت انسان پیوند داشته باشند. به این ترتیب، فلسفه هستی بیش از هر چیز با هستی انسان گره خورده است و به مسائل پیش روی آدمی توجه دارد. بنابراین، در حوزه علوم انسانی و برای شناخت بهتر انسان و ابعاد آن می‌توان از اندیشه‌های اندیشمندان این حوزه استفاده کرد. هدف از این نوشتار بررسی اهمیت ارتباط بین فردی و جنبه‌های آن از دیدگاه یاسپرس و تأکید بر بها دادن به شکل صحیح به آن در مدیریت آموزشی است. برای این منظور، ابتدا مفهوم ارتباط از دیدگاه یاسپرس بررسی شده و سپس به برخی دیدگاه‌ها و پژوهش‌های انجام شده در تأیید اهمیت و تأثیر ارتباطات و روابط صحیح انسانی اشاره شده است. از آنجا که حوزه مدیریت آموزشی بیش از سایر حوزه‌های مدیریتی با افراد انسانی و تربیت افراد سروکار دارد، اهمیت ارتباط بین افراد بیش از سایر حوزه‌ها می‌تواند باشد. همان‌طور که در تحقیقات انجام شده مشاهده می‌شود، اهمیت دادن به ارتباط صحیح، نتایج مثبتی در برداشته و بازده کاری را افزایش داده است.



مقاله علمی-کاربردی





104). از نظر او، ارتباط اگزیستانسی مستلزم شادی، شناخت متقابل، سؤال کردن، محافظه‌کار نبودن، تلاش نکردن برای غلبه بر طرف مقابل، شفاف‌سازی کامل و مغالطه‌نکردن است (Gordon, 1998). آنچه یاسپرس در مورد ارتباط می‌گوید، به ارتباطی واقعی مربوط است که او آن را ارتباط اگزیستانسی می‌نامد. از نظر یاسپرس، با ارتباط اگزیستانسی فرد از کمبود و کاستی خود در هنگام ارتباط آگاه می‌شود و این او را تحریک می‌کند برای ارتباط اگزیستانسی عمیق‌تر بکوشد: «ارتباط اگزیستانسی به من اجازه می‌دهد بدانم چه هستم» (Yare, 2005).

یاسپرس اعتقاد دارد که ارتباط اگزیستانسی در هر موقعیتی ویژگی خاص خود را دارد که قابل الگوبرداری نیست و در هر موقعیت دارای شکل منحصر به فردی است (همان). او همچنین به پرهیز از جزم‌گرایی در ارتباط تأکید و بر فروتنی هنگام کشف حقیقت اشاره دارد. پیگیری و جست‌وجوی حقیقت نباید جزمی باشد. حقیقت جزمی، ارتباط را می‌گسلد و مسلم فرض می‌کند. ویران‌کننده‌ترین خطر برای حقیقت در جهان، ادعای کلی در مورد حقیقت مطلق است. در لحظه اطمینان از حقیقت، فروتنی برای سؤال مستمر ضروری است (Gordon, 1918). حقیقت در راه حرکتش کامل نیست. افراد باید بدانند که هر دیدگاهی، هر چقدر هم درست باشد، ممکن است به واسطه حقایق دیگری رد شود، بنابراین، برای زندگی اجتماعی هنر گفت‌وگو باید توسعه یابد (همان).

یاسپرس دوستی و صمیمیت را نیز در ارتباط یادآور می‌شود و نگرش خصمانه در ارتباط را باعث از بین رفتن ثمرات ارتباط می‌داند: «گفت‌وگو راهی به سوی حقیقت است و نگرش خصمانه حقیقت و ارتباط را بی‌ثمر خواهد کرد. معرفت فلسفی، عشق به معرفت و عشق به دارا بودن آن است که از طریق دوست داشتن ارتباط آموختنی است» (Japers, 1962: 44). در ارتباط اگزیستانسی و عقلانی انسان به‌طور قاطع صحبت نمی‌کند. از آنجا که حقیقت با ارتباط گره خورده است، نمی‌تواند در معنای عمیقش جزمی باشد بلکه ارتباطی است. آنچه ضروری به نظر می‌رسد این

اهمیت ارتباط از دیدگاه یاسپرس

یاسپرس ارتباط را لازمه وجود انسانی می‌داند و آن را برای کشف حقیقت ضروری می‌شمارد. برخی معتقدند که بعد از بوهر، دو فیلسوفی که بیشترین توجه را به ارتباط و گفت‌وگو داشته‌اند، یاسپرس و مارسل هستند (Gordon, 1998). از نظر یاسپرس طبیعت، کار هنری و ادبیات می‌توانند ما را به تعالی برسانند، ولی ارتباط خوب و باکیفیت تعالی را برای ما ممکن می‌سازد.

یاسپرس به‌طور کلی انسان را موجودی ارتباطی می‌نامد و اعتقاد دارد وجود انسان در ارتباط معنی پیدا می‌کند. انسان با داشتن ارتباط با دیگران، از هستی خود آگاه می‌شود. من تنها در پیوستگی با دیگری وجود دارم و به تنهایی چیزی نیستم. یاسپرس با اشاره به لحظه تولد انسان توضیح می‌دهد که وجود انسان با ارتباط شروع می‌شود و ارتباط انسان بر «انسان شدن» تقدم دارد (Jaspers, 1932). از نظر یاسپرس، من تنها در ارتباط با دیگری موجودیت دارم و هستی من در ارتباط با دیگری گره خورده است. من بدون آگاهی از دیگران از هستی خود آگاه نخواهم بود. وجود من همیشه در ارتباط ظاهر می‌شود و تنها در ارتباط است که من خودم هستم. یاسپرس اعتقاد دارد که انسان، هستی واقعی خود را در ارتباط با دیگری پیدا می‌کند و لازمه وجود و تحقق انسانیت انسان، ارتباط داشتن با دیگران است. با این حال، او تنها بودن و با دیگری ارتباط داشتن را لازم و ملزوم همدیگر می‌داند و معتقد است که این دو به هم وابسته‌اند: «من نمی‌توانم خود را بدون ورود به یک ارتباط بیایم و نیز نمی‌توانم بدون درک تنهایی خود، وارد ارتباط شوم» (Gordon, 1998).

ارتباط بین انسان‌ها

یاسپرس از ارتباط نامحدود سخن می‌گوید. ارتباط نامحدود به معنای این نیست که خود را تسلیم و مطیع دیگری کنیم، بلکه درک دیگری، شنیدن او و مشارکت با او برای تغییر خویش است (Jaspers, 1955).

یک چارچوب تحقیقی بنیادین در انواع تحقیقات به کار گرفته شود (چنج، شولی، ۲۰۰۱).
آرلستینگ^۵ (۲۰۰۵) به نقل از گوردن مدعی است که صحبت کردن یک کار محسوب می‌شود؛ به این معنی که بیشتر وقت و انرژی مدیر را می‌گیرد. اعتماد و گشاده‌رو بودن و اعتبار یا اصالت، کیفیاتی هستند که بر چگونگی فهم یک پیام تأثیر دارند. وجود اعتماد پیش‌نیاز و ضرورتی برای چگونگی فضای ارتباطی باز و مشارکتی (همکارانه) محسوب می‌شود. آرلستینگ با پژوهشی که در مورد چند مدرسه موفق انجام داده مدعی است مدیران موفق بیشتر وقت خود را در کار ارتباط می‌گذرانند. اعتماد همچنین بر درستی و صداقتی که معلمان و مدیران در گفت‌وگو نشان می‌دهند، تأثیر دارد. ارتباط، انعکاس‌دهنده اهداف دانش و ارزش‌های فردی فرستنده پیام، هم درباره محتوا و هم فرایند آن، است. اینکه دریافت‌کننده چگونه یک پیام را دریافت می‌کند، هم به محتوای پیام و هم به روشی که آن پیام دریافت می‌شود بستگی دارد. ضرورتاً ارتباط باید عنصری مهم و فراگیر از رهبری باشد. داده‌های تجربی نشان‌دهنده این نکته‌اند که چگونه فرهنگ مدرسه و روش ارتباطی مدیران و معلمان بر بافت و زمینه‌ای که پیام گفت‌وگو در آن قرار دارد، مؤثر است تا نتایج موفقی داشته باشد. چگونگی برقراری ارتباط مدیران بر نحوه ادراک آن‌ها

است که انسانیت انسان را تحت شرایط ارتباط قرار دهیم که این، نه سطحی، نه تباه‌کننده و فریب‌دهنده، بلکه روشنگر است (Jaspers, 1955). یاسپرس مانند بوبر بر این نکته تأکید دارد که هنگام ارتباط، دیگری نباید ابژه من باشد. وقتی دیگری به جای اینکه با من دیدار کند ابژه من باشد، ارتباطی کاملاً ناقص انجام می‌شود. اگر عمل او «خود بودن» او را تصدیق نکند، عمال من نیز وجود مرا تصدیق نخواهد کرد (Gor-don, 1998). از نظر یاسپرس، مهم است که در جریان ارتباط به تفاوت‌ها احترام بگذاریم، از غرور و خودبینی بپرهیزیم و سعی نکنیم همه را مثل خودمان کنیم. کسی که می‌خواهد خودش باشد، باید از اینکه دیگری نیز مثل او باشد بپرهیزد. همه انسانیتی مشترک دارند ولی تنوع دوست‌داشتنی است (Jaspers, 1955).

از دیگر مواردی که یاسپرس در مورد چگونگی ارتباط به آن اشاره دارد، احساس آزادی و عدم تحکم در ارتباط است؛ به طوری که پرسش و پاسخ بین دو طرف با آزادی انجام گیرد. به نظر او ارتباط میان افرادی که در جامعه آزاد و رقابتی با هم زندگی می‌کنند و با هم پیوستگی و اشتراک دارند، امکان‌پذیر است؛ یعنی آن‌هایی که هیچ‌چیز را بدون پرسش و پاسخ قبول نمی‌کنند (Jaspers, 1954). بنابراین، می‌توان گفت یاسپرس ارتباط را یکی از جنبه‌های مهم وجود آدمی و رشد و تعالی انسان می‌داند؛ به طوری که از نظر او حتی انسانیت انسان در داشتن ارتباط صحیح با دیگران است. با توجه به آنچه گفته شد و با عنایت به امور انسانی از جمله حوزه مدیریت، که به طور کلی نوعی زندگی جمعی و همکاری بین انسان‌ها محسوب می‌شود، بجاست که ارتباط درون‌سازمانی بین افراد مورد توجه، مطالعه و بررسی قرار گیرد؛ به ویژه در حوزه مدیریت آموزشی که محیطی تربیتی است، به نظر می‌رسد اهمیت ارتباط بین فردی و چگونگی آن بسیار حائز اهمیت باشد. در ادامه به برخی از پژوهش‌ها و دیدگاه‌هایی که درباره ارتباط در این حوزه وجود دارد می‌پردازیم.

ارتباط در مدیریت آموزشی

به نظر می‌رسد محیط آموزشی با توجه به ماهیت خاص خود بیشتر از هر محیط دیگری نیازمند ارتباط بین فردی است. واقعیت این است که بعضی محققان رفتار سازمانی، اهمیت روابط را در سازمان‌های امروز و فردا تشخیص داده‌اند. برای مثال، گوتک (۱۹۹۷) از مطالعه تعامل جفتی بین مشتریان و خدمات‌دهندگان و بین یک سازمان با سازمان دیگر حمایت می‌کند. اگرچه در ادبیات هیچ چارچوب تحقیقی که تعاملات جفتی را بررسی کرده باشد، ارائه نشده است. با توجه به این نکته پیشنهاد می‌شود که رابطه‌گرایی روش شناختی به‌عنوان

از نظر یاسپرس، مهم است که در جریان ارتباط به تفاوت‌ها احترام بگذاریم، از غرور و خودبینی بپرهیزیم و سعی نکنیم همه را مثل خودمان کنیم



نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، اهمیت ارتباط، بیش از پیش روشن می‌شود. تأکید یاسپرس بر حیاتی بودن ارتباط بین فردی باید مورد توجه باشد و نقش و اهمیت آن در محیط‌های انسانی، به‌ویژه در مدیریت بخش‌های آموزشی و تربیتی، در دستور کار مدیران قرار گیرد. یاسپرس اعتقاد دارد که ارتباط صحیح باید دوطرفه و متقابل باشد و دو طرف، هستی خود را به طرف مقابل عرضه کنند تا اعتماد متقابل بین آن‌ها برقرار شود. همان‌طور که در پژوهش‌های انجام شده نیز ملاحظه شد، گشوده بودن و اعتماد متقابل از عوامل مؤثر در ارتباط صحیح و ثمربخش است. بنابراین، مدیران مدارس باید ارتباط نزدیک و متقابل با معلمان را در محیط کار مورد توجه قرار دهند و با انجام گفت‌وگوها و بحث‌های مفید، هم نظرات و دیدگاه‌های معلمان را مورد توجه قرار دهند و هم زمینه مشارکت بیشتر و جو صمیمی در مدرسه را فراهم آورند. آنچه امروزه در مدارس اتفاق می‌افتد، ارتباط مدیر با معلمان، آن هم به‌صورت رسمی هر ماه یا هر چند هفته در قالب جلسه شورای معلمان است، ولی واضح است که این سطح از ارتباط برای درک متقابل کافی نیست و مدیران باید از اهمیت ارتباط بین فردی بیشتر آگاه باشند و از این عامل مهم در بهبود روند کار آموزشی و تربیتی استفاده کنند. نکته مورد توجه دیگر کیفیت و نحوه ارتباط و همچنین نوع نگرش به آن است. همان‌طور که یاسپرس اشاره می‌کند، پرهیز از جزم‌گرایی، داشتن فروتنی، آماده‌تغییر بودن، توجه کامل به طرف مقابل، و شناخت متقابل، از ملزومات ارتباط صحیح است. ضمن اینکه معلمان نیز باید از اهمیت ارتباط آگاه باشند و مدیران را در برقراری ارتباط دوستانه یاری دهند.

توسط معلمان تأثیر می‌گذارد. همچنین، نحوه برقراری ارتباط در توانایی آن‌ها برای پیگیری تغییر و نیز بر نگرش افرادی که با آن‌ها ارتباط متقابل دارند، مؤثر است. ارتباط منعکس‌کننده احساسات، دانش و ارزش‌ها به‌ویژه در گفت‌وگوهای روزانه است؛ آنجا که ملاقات‌ها و مباحث معمولی اتفاق می‌افتد.

ادول^۶ (۲۰۱۱) نیز در پژوهشی به اهمیت ارتباط در محیط آموزشی پرداخته و معتقد است که گشوده بودن در ارتباط برای ایجاد اعتماد در محیط مدرسه بسیار مهم و اساسی است. معلمان باید احساس آگاه و مطلع بودن از مسائل مؤثر محیط کار را داشته باشند. خواستن برای دریافت بازخورد و پیگیری آن، در طرف مقابل احساس ارزش ایجاد می‌کند. گشودگی در ارتباط باعث نزدیکی عاطفی لازم برای ارتقای همکاری و اتحاد بین همکاران می‌شود و با وجود آن، بسیاری از عواطفی که کنترل آن‌ها مشکل است، بروز می‌کنند. مباحثه و تأکید بر اهمیت همکاری اما وقت ندادن برای ابراز نظرات و دیدگاه‌ها برای حل مسائل، مثالی است از زمانی که محتوای ارتباط و فرایند آن با هم متناقض‌اند. اعتماد بین مدیران و معلمان هم بر الگوهای فرهنگی و هم الگوهای ارتباطی مؤثر است. اعتماد مطلوب متقابل است، بنابراین، باید روابطی را بنا کرد که در آن دو طرف مستقل باشند؛ به‌ویژه اگر بحث دارای تناقض باشد، اعتماد بسیار مهم است. اهمیت دادن به ارتباط، ارزش‌های فردی و فرهنگ و پیوستگی و نزدیکی آن‌ها به هم به کسب نتایج بهتر آموزشی می‌انجامد. برای رسیدن به نتایج مطلوب باید ارزش‌های فردی و ارتباط، جزو اهداف مدرسه باشند (Arlesting, 2005).

همچنین، نتایج پژوهش آرلستینگ در مورد کار مدارس موفق نشان‌دهنده این است که مدیران در مدارس موفق به‌طور مکرر درباره آموزش و یادگیری با معلمان ارتباط دارند و بحث می‌کنند. این مدیران بیشتر از مدیران سایر مدارس با معلمان خود دیدار و گفت‌وگو دارند. تمام مدارس موفق اعلام کرده‌اند که ارتباط، یک جنبه مهم از کار آن‌ها محسوب می‌شود. ارتباط می‌تواند وسیله‌ای برای رسیدن به مقاصد و اهداف باشد. اعتماد در روابط مدیر و معلم پیش‌نیازی برای چگونگی تفسیر و فهم پیام‌ها محسوب می‌شود. مدیران در مدارس موفق از ارتباط به‌طور آگاهانه برای تمرکز بر همکاری و مسائل آموزشی و یادگیری استفاده می‌کنند. ضمناً، مطالعه کار این مدارس نشان می‌دهد که اعتماد و ارتباط بسیار به هم مرتبط و در هم تنیده‌اند (همان).

با توجه به آنچه از دیدگاه یاسپرس بیان شد، به نظر می‌رسد برقراری ارتباط صحیح بین افراد در محیط‌های انسانی که اعتماد و درک متقابل لازمه آن است، عامل مهمی در بهبود روند کارها محسوب می‌شود.

یاسپرس اعتقاد دارد که انسان، هستی واقعی خود را در ارتباط با دیگری پیدا می‌کند و لازمه وجود و تحقق انسانیت انسان، ارتباط داشتن با دیگران است



منابع

1. Arlesting, Helene (2005). Values and Ethics in Educational Administration. Willow Center for the study of leadership & Ethics. Rock Ethics Institute. volume7. number1. fall2005
2. Edul (2011). Basic theory of Educational Administration. Access in: www.InsideCamden.com.on 03/25/2011
3. Gordon, D (1998). Karl Jaspers Existential Philosopher of Dialogical Communication. New York: Nation Communication Association
4. Jaspers, Karl (1955). Reason and Existenz. Trans by Earl. w. New York: Noonday press
5. Jaspers, Karl (1932). way to wisdom: an introduction to philosophy. Trans. Ashton, E.B. Chicago: universitypress. 1969
6. Jaspers, Karl (1962). Plato and Augustine. Trans by Ralph New York; Brace world
7. Yare, E (2005). Karl Jaspers Communication in Existenz. Existential Analysis 16. 1: January 2005